



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۲۹ می ۲۰۲۲

حمید انوری

درنگی بر "د نومونو (اصطلاحاتو) بنکپلاک"

نوشته زیبای هموطن گرامی، جناب "غفور لیوال" را تحت عنوان "د نومونو (اصطلاحاتو) بنکپلاک" با دقت مطالعه کردم که سطر سطر آنرا تأیید میکنم و به موشگافی های دقیق شان احسنت میگویم. در ابتدا چنین فکر کردم که این مضمون دقیق شان، خواهی نخواهی دنباله دار باید باشد، که نبود، چه ایشان تنها و تنها به اصطلاحاتی بسنده کرده اند که مربوط به دوران جنگ "افغان - روس" و تجاوز نظامی روسیه به افغانستان می شد که مردم افغانستان با تعدادی از آنها هیچ مشکلی نداشتند و ندارند هنوز، از آن جمله است، اصطلاح "مجاهد" و "جهاد" و "مهاجر" که اصلاً لغات و اصطلاحات عربی اند و نه پاکستانی و در آن دور و زمانه بر حال و احوال مردم ما سخت مطابقت داشت و "جهاد" در مقابل تجاوزگران روسی و نوکران بومی خلقی و پرچمی آنها بر هر افغان آزاده فرض بود و حتی میگفتند که جهاد کنید یا با قدم، یا با قلم و یا هم با درهم، و اگر از وسع تان هیچکدام پوره نبود، پس مهاجرت کنید.

"جهاد" و "مهاجرت" لغات و اصطلاحات عربی اند و نه پشتو و پاکستانی و پنجابی و در قرآن هم تذکر داده شده است. مردم افغانستان هیچگاه با آنها مشکلی نداشته اند؛ و اما چار ناچار باید درنگی در مورد نمود و از اصطلاحات نامأنوس ایرانی و روسی نیز که با زور و زر وارد کشور محبوب ما افغانستان عزیز گردانیده اند، یادی نمود و فقط به اصطلاحات وارداتی از پاکستان بسنده نکرد، کاری که محترم "لیوال" انجام داده اند و نوشته پُربار خود را یک لنگه ساخته اند که این کمترین در همین مختصر به تعدادی از آنها می پردازم تا شاید نوشته زیبای ایشانرا به نحوی از یک لنگه بودن بدر آورده باشم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید:

اصطلاحات روسی:

■ باسمه چی

- کاندیدا کادمسیسن
- اکادمیسین

و شاید یک تعداد دیگر که برای من هنوز معلوم نیست.

اصطلاحات ایرانی:

- واژه
- افغانستانی
- واکنش
- آیت الله
- خوانش
- گویش
- دیداری
- شنیداری
- نوشتاری
- تک (یک)
- واکنش
- تنش
- نشست

و بیشمار اصطلاح آخذی دیگر که با زر و زور به کشور آبائی ما صادر کرده اند و نویسندگان و قلم به دستان ما، چپ و راست و پگاه و بیگاه آنها را با اشتباهی تمام تناول کرده و دیگران را نیز به هضم آنها به گونه های متفاوت تشویق می نمایند.

ما هنوز هم در نوشته های به اصطلاح تاریخی خود از اصطلاح نامأنوس و کس مخر "باسمه چی" و "اکادمیسین" و...، که همه روسی اند، استفاده میکنیم و اصطلاحات وارداتی و نامأنوس آخذی ایران را با صد شوق تمام در خدمت میگیریم و بخصوص همین اصطلاح تهوع آور "نشست" سر زلف ما نشسته است و در فکر و روح و روان ما ته نشین گردیده است و باربار آنرا مورد استفاده قرار میدهیم که خیانتی است بس عظیم به فرهنگ و زبان سرزمین ما. از پاکستان هم

اصطلاحات "لمری وزیر" و "ولس مشر" و شاید یک تعداد اصطلاحات دیگر را به عاریه گرفته باشیم و "صدراعظم" و "رئیس دولت" را به نحوی کنار گذاشته ایم و آب از آب هم تکان نخورده است. از اصطلاحات روسی "اکادمیسین" و "کاندید اکادمیسین" و "باسمه چی" هم در نوشته های خود به وفرت استفاده میکنیم که همه اینها از نظر تیز بین هموطن گرامی "لیوال" به گونه ای به دور مانده است و یا نظر به دلالتی آنها را نادیده گرفته اند.

و اما باید اعتراف کرد که ما خود اگر از استفاده این اصطلاحات وارداتی و کس مخر و نامأنوس خودداری ورزیم، هیچ مشکلی در زمینه ایجاد نخواهد شد و هر اصلاح را باید نخست از خود شروع کرد و در مورد دقیق و عادل بود و از یک جانبه نگری احتراز ورزید.

به گفته مشهور "برف بام خود را در بام همسایه می اندازیم" و الله و بلا را به گردن ملا بار میکنیم و هیچگاه به کمبود ها و اشتباهات خود اعتراف نمی کنیم. ما خود اگر از استفاده این اصطلاحات وارداتی خودداری کنیم، هیچ کس به زور بالای ما این بدعت را تحمیل کرده نمی تواند. شاعری باری چه خوش گفته بود:

دی شیخ مدرسه همی گفت به حمارش

هر که شد خر، می شوند سوارش